

بعضی از علماء عامه و فقهاء سابق قائل بصحت بیع ورهن شده و اشیاء داشته اند چون در موقع ایجاب عقد بیع ورهن قبول طرف معروض بوده و تاخیر قبول رفع اثر از عقد نمیشاید موضوع نظری و قابل توجه است

از مسائل دیگری که قابل بحث است آنستکه دین در مقابل مبلغ معینی آیا بطور تجزیه است یا بطور استقلال - سه نحو قابل تصور است :

- ۱ آنکه تمام مال مرهونه در مقابل هر جزئی از دین است
 - ۲ آنکه تمام مال مرهونه در مقابل تمام دین است نه در مقابل جزء دین
 - ۳ آنکه اجزاء مال مرهونه در مقابل اجزاء دین است
- روی قسمت اول هر گاه مالی در مقابل دین در مان دین باشد و نصف از دین را دهن به پردازد موجب آزادی نه مال مرهونه نیست بلکه باید تمام دین نادیه گردد
- روی قسمت دوم هر گاه قسمتی از دین نادیه گردید باالنسبه از مال مرهونه آزاد میشود بنابراین هر گاه دین مربوط بدو نفر باشد یا مال مرهونه تعلق بدو نفر دارد و بعضی واحد مال مرهونه در مقابل دین داده شود و قسمتی از دین را یک نفر از شرکاء نادیه نماید هر گاه روی نظر اول باشد هیچکدام حق آزادی مال مرهونه را بالنسبه ندارند و روی نظر دوم و سوم است بمبلغی که نادیه گردیده مال مرهونه آزاد میشود

مثال دیگر زید خانه خود را در مقابل هزار تومان مرورهن داد و قبل از ادای قوت نمود و رفته که قائمقام او هستند چند نفرند یک نفر از آنها سهمیه خود را برتین بدهد و تقاضای آزادی نصف را نماید مرتین حاضر برای قبول نصف نشود و آزادی مرهونه بدادن تمام دین بدانند

باید از امداد عقد رهن استفاده نمود در صورتیکه دین بطور اطلاق بود. بعضی از فقهاء قائل تجزیه گردیده بعضی قائل تجزیه نمیشوند و نظایر آنست که در ورهن توثیق و اطمینان دالین است یا تجزیه رهنه این معنی حاصل است تمام کلام در بحث آینده عرض میرسد

شعبه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تاسیس جامع علوم انسانی

لسانی - ابوالفضل

تتمیم و رون

یا بزرگترین خطیب و زبردست ترین و گیل منافع

۴۰۰۰ سال قبل

در سال ۱۰۶ قبل از میلاد در (آرینیوم) یکی از شهرهای رم طفلی متولد شد که در دوران پراحوادث و کشمکش ایتالیا ۶۴ سال مانند ستاره فروزان درخشندگی تابناک داشت . این طفل (مارکوس تولیوس سیرون) بود. از شانزده سالگی فن نطق و سخنرانی را مشق

کرده و در ۲۳ سالگی رساله ای در فن فصاحت نوشت . در ۲۴ سالگی اولین دفاع نامه مفصل خود را منتشر نموده و استعداد فوق العاده خویش را در فن نطق و خطابه و تهود و شجاعت خود را در دفاع از حق و حقیقت معرفی کرد .

سیسرون در مدت زندگی پرماجرای خود و با رسیدن به مقام کنسولی در طرز فکر و مشی سیاسی ملت رم تأثیری بسزا بخشید و یکی از عوامل مهم تحولات سیاسی آنروز بود . ממذلك قسمت اعظم اشتهاار سیسرون مربوط بشخصیت ادبی و مهارت او در فن نطق و مخصوصا سخنرانیهای قضائی است .

آثار موجوده از این خطیب دانشمند از نظر حسن اسلوب و لطف کلام و رعایت تمام نکات فصاحت و بلاغت از بهترین نمونه های دوران مدنیت رم قدیم میباشد .

مرحوم فروفی ذکاء الملك درمقایسه بین (دموستنس) و (سیسرون) چنین ینکارد :

« سیسرون هـ نژاد دموستنس ساده و بی پیرایه سخن نمیگفت و کلام خود را آرایش میداد . نکته سنجان گفته اند :

دموستنس هنگامی که سخن میگفت خود و سخنوری را فراموش میکرد و مستغرق مطالب و موضوع و احساسات و افکار میگردد . شنوندگان هم چنان مجذوب بیان او میشدند که شخص دموستنس و سخنوری را فراموش میکردند و همه حواس ایشان متوجه مطالب می شد و مجال نمی یافتند که بلطف کلام توجه کنند . اما وقتی که سیسرون سخن میگفت اذنان متوجه بیان او نمیگردید . او همواره در سخنوری هنرنمایی مینمود و سیرت یکی از نامی ترین سخنوران جوان و مخصوصا در سخنوری قضائی بی همتا است »

سیسرون مامور با (سیلا) و (پپه) و (سزاد) و (آنتوان) بود . ستاره سیسرون در دوره دیکتاتوری سیلا طلوع کرد و در زمان آنتوان افول نمود .

در ایام قدرت شکفت انگیز سیلا یکی از مقربان او موسوم به (کریر کنوس) بطمع تصاحب اموال (رسیوس) به قتل آن بیچاره اقدام کرد و املاکی را که زائد بر سه میلیون فرانک قیمت داشت به ۱۳۰۰ فرانک خرید و بعد برای آنکه از کشف حقیقت و رسیدن بکیفر این باشد بسر رسیوس را متهم بقتل پدر خود نمود .

با قدرت فوق العاده سیلا و علاقمندی او به کریر کنوس سیسرون دفاع فرزند بی گناه رسیوس را بعهده گرفت و با کمال تهود و بی باکی حقایق امر را شرح داد و نضیه را روشن کرد و آتقدر در دفاع خود با فشاری نمود تا حکم بر اوست بسر رسیوس صادر گردید و این محاکمه و جب شد که قدرت سیسرون در نطق و بیان و شجاعت و بی باکی او در دفاع از مظلومین زبانزد خاص و عام گردید .

سیسرون در ۳۶ سالگی بسمت خزانه داری سیسیل مأمور شد در همان ایام مردم سیسیل زیر بار ظلم و تجاوز (ورس) والی رم بسر میبردند و سیسرون توانست در مدت کمی توجه

مردم را بهود جلب نماید و در اثر همین توجه عمومی زمانیکه اهالی سیسیل بشکایت و تظلم از ورس موصم شدند بهتر و مناسبتر از سیرون وکیلی نیافتند و آن خطیب دانشمند را برای طرح دعوا علیه ورس انتخاب کردند :

سیرون ورس را بهعناکه دعوت کرد . اعضای سنابرای تمویق و تاخیر معاکه کوشش میکردند سیرون بر تمام موانع فائق آمد و معاکه درماه اوت سال ۷۰ قبل از میلاد شروع شد . بیانات شهود بقسمی شرم آور بود که ورس قبل از استماع بیانات اتهامیه سیرون و حکم معاکه از رم بیرون رفت . اما سیرون برای اینکه مظالم ورس را برای مردم رم روشن کند و حقانیت عاوی مردم سیسیل را ثابت نماید خطابه هایمیرا که برای بیان در دادگاه تهیه کرده بود بین مردم منتشر ساخت . خطابه های مزبور با اسم (ورن) معروف است .

یکی از مشهورترین قسمت های خطب مزبور خطابه شکنجه و مجازات است مخصوصا در قسمتی که اعمال سفاکانه ورس را در باره مردم سیسیل شرح میدهد و رای نمونه چند سطر از خطابه مزبور عینا نقل میگردد :

((ورس جرأت کرد یکی از اهالی رم را شکنجه نماید : در میدان عمومی مسین یک نفر را که از حقوق مدنی رومی بهره مند بود چوب میزدند . در میان درد و مشقتی که آن بدبخت تحمل میکرد . در اتنای ضرباتیکه صدایش بلند بود از دهان وی جز کلمات ذیل شکایتی شنیده نمیشد :

**من یکتفرهم وطن رومی هستم! تصور میکرد با اسلحه این عنوان
میتواند جلادان را مانع شده خود را از شکنجه های تمام عالم
محفوظ دارد .**

اظهارات وی چوب را موقوف نکرد بر عکس در حالتیکه هزار بار بی دردی رومی بودن خود را بزبان آورد صلیبی برای این بدبخت که هیچوقت چنین استبداد را باور نیکرد بر افراشتند

ورس سنکدلی را بیجای رسانید که چوبه دار را درست در بروی ایتالیا بر پا داشت تا آن بدبخت که زیر شکنجه جان میداد به رای آلمین مشاهده کند که منطقه آزادی و سر زمین بندگی بایک تیره تنگ از هم جدا شدند .

تا بدانند که ایتالیا بسته بودن یکی از فرزندان خود را به آلت عذاب و دچار کشتن او را بقوشی که مخصوص غلامان است مشاهده خواهد کرد .

**زنجیر کردن یکتفر رومی تقصیری است ازرگ . چوب زدنش
جنایت است . کشتن او بمنزله کشتن پدر است . متملوب نمودن چه گناه
ازرگی خواهد بود ؟))**

فداکارهای بی در پی سیرون و اعجازیکه در نطق و بیان خود مینمود موجب شد که ملت رم از او قدردانی کرده و او را بمقام کنسولی انتخاب نمود درموقتیکه سیرون بمقام کنسولی انتخاب شد یکی از معروفترین رجال آلوده رم و یکی از آدمکشان مهم دوره سیلاکه بفارت ایالت افریقا و کشتن عده ای از زنان و فرزندان بیگناه قلمرو خود متهم بود در مقام کودتا و بدست گرفتن حکومت رم بر آمد . این شخص (کابلینا) بود

برای اینکه کاتیلینا بغوی ز معرفی شود فقط چند سطر از اظهار نظر (سالوست)
موضوع مشهور عیناً نقل می‌گردد :

سالوست مینویسد : « کاتیلینا طبیعتی شرور و فاسد داشت در جوانی از جنگهای داخلی
و آدمگشی و زدی و تولید نفاق بین مردم معظوظ میشد اخلاصاً جور و مکار . در پنهان کردن
مفاسد خوش قادر . بر مال دیگران حریص . متلف دارائی خویش . در شهواترانی بسیار منمک و
این روح طماع ، کارهای صعب الحصول مایل بود .

پس از دوره زمامداری سیلاحرس شدید بر بودن اقتدار پیدا کرد . برای اینکه فرمانروا
و صاحب اختیار شود هیچ اقدام را زشت و هیچ وسیله‌ای را بیح نیشمرد . »

کاتیلینا یعنی همین شخص که سالوست از تصرفی نمود بدو از خود را نامزد . مقام کنسولی
کرد پس از عدم موفقیت در انتخابات تصمیم گرفت بهوة قهریه متوسل گردد خود و طرفدارانش در
دم مواضع کردند . سیسرون را که در آنوقت کنسول بود بکشند و شهر را آتش زنند .

سیسرون که از نقشه کاتیلینا و هم دستانش اطلاع حاصل کرد توسط سنا در مخاطره بودن
وطن را اعلام داشت و اختیارات تامه گرفت .

روز ۱۶ نوامبر سال ۶۳ قبل از میلاد به سیسرون خبر رسید که شب قبل دسیسه کاران
آخرین طرح و نقشه بلوا را تهیه کرده‌اند سیسرون فوراً مجلس سنا را منقذ ساخت و کاتیلینا که
تصور میکرد سیسرون از نقشه‌های پنهانی آنها بی اطلاع است در جلسه سنا حضور یافت .

پس از آنکه سیسرون متوجه حضور او در جلسه شد نطق مختصری ایراد نمود که می‌توان
گفت همان نطق کلابه نقشه‌های کاتیلینا و طرفداران او را در دم ریخت و باز می‌توان گفت همان چند
سطر بیانات سحرانگیز دمر را از مخاطره استیلا و وحشیانه مرد سبع و غارتگری نجات داد .
سیسرون در مجلس سنا بکاتیلینا خطاب کرد و گفت :

« کاتیلینا تا کی از صبر و حوصله ما استفاده خواهی کرد ؟

این تهور و لجاجت گسیختگی در چه حد خواهی ایستاد ؟ نه
نه : من نمی‌دانم که شما بر فراز تپه پالان با ایرانی می‌کنند ، نه جوقة‌های قراولان
که در شهر پراکنده‌اند ، نه رحمت ملت ، نه آه‌هاجم وطن پرستان ، نه این محل
امن که جای انعقاد سنا است ، نه نگاه و نه صورت اشخاص که تورا احاطه
کرده‌اند از بی شرمی تونمیکاهدم .

ای روزگار ! ای اخلاق ! سنا از تمام این دسائس خبردار است و

کنسول آنهارا می‌بیند و هنوز کاتیلینا زنده‌است ؟

چه هیویم او بسنا می‌آید و کسانی را که میخواهد هلاک کند با اشاره

چشم انتخاب مینماید . »

نطق پراذحرارت و شورانگیز سیسرون چنان تأثیر نمود که کاتیلینا تاب مقاومت نیاورده
به (از روی) فرار کرد و در ژانویه همان سال در جنگ کشته شد و در میان چوین دانستند سیسرون
چهارم مت بزرقی کرده و چگونه دمر را از استیلا و مردی خونخوار و وحشتناک نجات داد از او
تذردانی نموده و لقب پدرمیهن باو دادند .

چندی بعد کلودیوس که از مفسدین بزرگ‌تر بود سیسرون را مغل‌افراض خود دانسته عملیات او را در قضیه کاتیانا دستاویز نمود اسباب‌چینی کرد تا سیسرون را اذرم تبعید کردند. سیسرون که از متنفذین رم بود وسیله برانگیخت که بتبئید سیسرون خانه داده شد و او را برم کردانیدند. چیزی نگذشت که در ازارع بین کلودیوس و میلون کلودیوس کشته شد هواخواهان او فوفا برپا کردند دوستان میلون هم بیگار نشستند. در مقابل غوغای طرفداران کلودیوس هیاهو کردند و در مجلس سنا در این باب مذاکرات بعمل آمد سرانجام مقر شد میلون را مح که نمایند و چون شهر منقلب شده بود اعضای مجلس سنا بپهرا بریاست مطلق برگزیدند و اختیارات نامہ باو دادند و او دادگاه فوق‌العاده‌ای برای رسیدگی باین کار تعیین نمود.

در آن موقع در نتیجه حادثه کلودیوس هرج و مرج و خونریزی که در نظیر آنرا بغاطر نداشت بوجود آمده بود طرفداران کلودیوس تشنجی شدید در سراسر کشور ایجاد کرده بودند چه کسی غیر از سیسرون میتوانست دفاع از میلون را در محکمه عهده‌دار شود.

سیسرون سمت وکالت مدافع میلون را قبول کرده در آنجا که خدمات نمایانیکه به ملت و دولت رم کرده بود از رجال مشر و محترم رم بود و با کلودیوس دشمنی و با میلون دوستی داشت چه آنکه کلودیوس موجب تبئید او گردید میلون سبب شده بود که سیسرون از تبئید برگردد علاوه کلودیوس مردی شقی و فتنه‌جو بود و میلون نسبت او از مردمان صالح بشماره میرفت.

سیسرون در دفاع از میلون حق دوستی را نیز منظور نمود و مهمتر از همه آنکه این محاکمه یک محاکمه عادی نبود و جنبه سیاسی فوق‌العاده داشت. سیسرون در این محاکمه میدانی به دست میآورد که از وضع درهم و آشفته آن روز را نقد شدید نماید

سیسرون دفاع از میلون را عهده‌دار شد. و وظیفه خود را آنقدر خوب انجام داد که دادگاه‌آه‌آه‌آه را بتبئید تصفیف داده و میلون را محکوم بتبئید نمود.

اما خطابه سیسرون از شاهکارهای قضائی بشمار میآید. میلون در حال تبئید پس از خواندن آن تاسف خورد و گفت اگر سیسرون با این دفاع اصولی در پیشگاه قضات خود را گم نکرده بود یقیناً من تبرئه میشدم.

دفاع سیسرون از میلون واجد مراتب مختلفی است که قسمتهائی از آن مربوط بآن عصر و زمان است و قسمتی نیز مشتمل بر دفاع از دلایل اتهام که انتشار آن قسمتها در عین آنکه شامل بسیاری از فن معاوره میباشد فعلاً ضرورتی ندارد ولی قسمتهائی دیگر که در عین گذشته بیست قرن با اوضاع و احوال امروز اغلب ممالک نیز تطبیق میکند بقیده نویسنده لازم است که در مجله کانون منتشر گردد و اینک قسمتهائی از دفاع مزبور نقل میگردد:

نکنه‌ای که در خود توجه است آن است که تشکیل دادگاه فوق‌العاده و اظهار ملائمتی شدید رؤسای دولتها بمعاکمات خاص از قرون قدیمه در میان بشر معمول بوده و تاریخ چنین نشان میدهد که قوه قضائیه در مواقع حساس تحت تئوذ قوه مجریه قرار می‌گرفتند و آنها و آبلای مدافع بودند که از صدر تاریخ تا کنون همیشه با ظلم و جور مبارزه کرده و با مداخلات ناروای دولتها در قوه

فضایه جنگ و ستیز مینمودند و همیشه میخواستند فرشته عدالت حق و باطل را از یکدیگر تمیز و تشخیص دهد و در تمام اعصار دارندگان این فن و حرفه شریف خواهان بسط عدالت و داد بودند .

دولتهائیز برای اینکه نطق و کلاهی مدافع موجب تحریک احساسات نشده و محاکم تحت تاثیر احساسات عامه مردم قرار نگیرند. در محاکم را بروی تماشاچیان بسته و بجای آنسان دادگاهها را از افراد نظامی بر میگردند که عوض برق چشمان تماشاچیان برق سرنیزه های نظامیان چشم ناطق را خیره کرده او را از دفاع از حق و انجام وظیفه باز دارد:

سیسرون دچار چنین محاکمه ای شد بپه دادگاه فوق العاده تشکیل دادقضات و رئیس دادگاه را مطابق میل خود انتضاب کرد و بجای تماشاچی نظامی مسلح بدادگاه فرستاد.

سیسرون در مقدمه دفاع وارد بحث در کیفیت تشکیل دادگاه گردید و در این باب بقدری قدرت بخرج داد که میتوان گفت سخن را بر سطح اعجاز رسانید و چنان انتقاد ملایم و لطف از عمل بپه در تشکیل دادگاه فوق العاده و تویض قضات و جلوگیری از ورود تماشاچیان و اشغال دادگاه بوسیله افراد نظامی نمود که کوچکترین مجالی بمخالفین خود در تحریک بپه و یا اعضای دادگاه علیه موکل خود نداد و اینک مقدمه دفاع او که در باب انتقاد از عمل بپه و تشکیل دادگاه است عیناً نقل میشود:

سیسرون پس از تشکیل دادگاه در مقدمه دفاع خود چنین اظهار داشت :

« داوران، شرمسارم از اینکه چون برای دفاع یکی از دلیرترین مردم لب میکشایم چنانکه باید قوت قلب نمی نمایم و در حالیکه بملون از آسیب خود باك نداشته حفظ میهن را پیشهاد خود ساخت از من شایسته نبود که بر این کرسی سخنوری کمتر از او دلیری نشان دهم اما اقرار میکنم که ایندستگاه تازه و این دادگاه فوق العاده چشم مرا مبترسانه و چون بپه سو نگاه میاندازم نه شیوه دلیرانه سخنرانی را می بینم و نه ترتیبات عادی محاکمه را می بینم. پیراهون محوطه ای که شما جلوس کرده اید گروه تماشاچیان را مانند سابق نمی بینم و جمعیت کسانی را که همیشه برای شنیدن سخن ما گرد می آمدند نمی یابم . لشگریانیکه بر رواق مهابد ما گماشته اند هر چند برای جلوگیری از تجاوز کاران است مایه آسایش سخنور نیست و در این میدان و این دادگاه وجودشان با آنکه مفید و لازم است همواره موجب نگرانی است »

اما اگر کسان میبدرم که این دستگاه برای مخالفت بامیلون فراهم آمده است منم تابع مقتضای وقت میشدم و در مقابل قوت و زور سعی سخنور را باطل می انگاشتم ولیکن آنچه مایه اطمینان من میشود و دلیرم میسازد ثبات دادگرا نه و خردمندانه مردی مانند بپه است که شخص متهم را از چنگ لشکریان رهانیده بدست داوران سپرد و در راه حزم روا ندانست که قدرت دولت پشتیبان قهر عامیانه مشتکی نادان شود. از این رو میتوان مطمئن بود که این انبوه لشکر و برق نیزه شمشیرشانه دشمنی نیست بلکه برای محافظت و حمایت ماست.

اگر نگرانی را از مادور نبسازد ما را بدلیبری نزدیک میکند. شخص مرا محفوظ نماید و جمعیت را ساکت مینماید و اما کسانی که برای شنیدن سخن ما آمده اند می بینم گروهی از بهترین همشهریانند که با ما مهربانند و از همه سوچشم باین داوری دارند و بکسر درباره میلیون نیایش میکنند و هر یک میگویند: حکمی که از این دادگاه بیرون آید سرنوشت ما و فرزندان میهن و دارایی ما را باز مینماید. اما بگذریم مخالف و دشمن نیز داریم و آنها کسانی هستند که تهور کاودیوس ایشان را بوسیله چپاول و آتش سوزی و همه نوع آفتها که بعلت وارد آورده اند متعجب ساخته است و همین کسان بودند که دیروز پس از شنیدن گفتاری فتنه انگیز جسورانه فریاد بر آورده بشما فرمان میدادند که چه حکم باید صادر نماید و این هیاهو که هنوزم شاید از تهدید دست برنداشته است برای شما عبرتی بسزا است و بیاد میآورد که آزاد مردی که پیشگاه داوری شما آمده است همواره هنگام مخاطراتی که بشما روی میآورد در برابر فریاد های سفاهت آمیز مشتی دیوانگان ایستادگی میکرد و شما را آگاه میسازد که چنین مردی را باید نگاهداری کنید.

پس ای داد و ران خود را استوار سازید و هیچگونه بیم و باک بخویش راه مدهید چه امروز روزی است که شما پناهگاه فضیلت و بزرگواری و خدمتگذاری واقع شده اید و هیچ زحمان چنین خجسته هنگامی برای بزرگان قوم پیش نیامده است که بصورت یک حکم عادلانه تاریخی حجتی رسمانه بر ارجحیت شناختن نیکوکاران تمام کنند و بمهر برسانند :
 آری امروز روزی است که آشکار خواهد شد که ما یعنی دوستان و پیروان باجرای احکام شما محکوم برین و معنت ابدی هستیم . باس از کشیدن منتهای بسیار اذدست جناعت اشرار سرانجام اذدادگری و توانائی و خردمندی شما به نعمت آسایش خواهیم رسید زیرا ای دادوران چه معنت و مشقتی است بالاتر از اینکه شخص بامید پادشاهی بلند خدمتگذاری ملت بپردازد و کوشش با نجا رسد که بسم شکنجه و عذاب داشته باشد ؟

هر چند من اقرار میکنم که چون همیشه میلیون را برای دستیاری نیکان بایدان دستبزه میدیدم همواره نگران بودم که درانچه ای ملی که مانند دریا متلاطم است هلاکت موجهای طوفان غوغای عامه بر سر او بریزد .

اما هیچگاه باور نداشتم که دشمنان او این اندازه جسارت داشته باشند که هنگام داوری در فرخنده دادگاهی که ازمانند شما خردمندان پاکدامن تشکیل شده بیایند و نه تنها قصد جان او کنند بلکه نام او را نیز ننگین سازند .

ذکر تمام نکات و بیان دقیقی که سیسرون در مقدمه دفاع خود بکار برده لازم نیست ولی در همین حال ضروری میدانم که يك فراز آنرا تکرار و تشبیهی را که نموده است مورد دقت قرار دهم .

سیسرون برای نشان دادن درجه عظمت و مقام مقدس دادگاه و انتقاد از عمل پسر درواید مردن لشکران دو معصومه دادوسی چنین گفته است :

« لشکریانیکه بر رواق مهاجد ما گماشته اند هر چند برای جلوگیری از تجاوز کاران است مایه آسایش سخنور نیست »

سیسرون دادگاه را به معبد تشبیه کرده و وارد کردن افراد نظامی را در داخل دادگاه گماشتن لشکریان بر رواق مایه دانسته و ضمن این بیان لطیف و تشبیه ادبی عمل پیه را انتقاد نموده است و حق هم همین است .

دادگاه مرکز سفکنداری و اجرای عدالت است و مدافع باید در دفاع خود آزاد باشد و چنانچه سیسرون گفت برق سرانیزه های افراد نظامی در دادگاه مایه آسایش سخنور نیست و مسلمان آزادی قضات را نیز در صدور حکم بحق تهدید و با اغلا تضعیف میکند :

در موقعیکه جنازه کلودیوس را طرفداران او بشهر آوردند طبق عادت و رسوم ملت روم در مقابل مجلس سنا آتشی برپا کرده و جنازه کلودیوس را در آن سوزانیدند در آن نوع آتش به سنا آتش افتاد و مقداری از آن سوخت . در موقعیکه آتش به سنا رسید بود یکی از طرفداران کلودیوس برای توجیح عامه نطق میکرد و در اینحال آتش به محل خطابه رسید و نزدیک بود او را بسوزاند . آن شخص را سیسرون در خطابه خود « سخنور آتش گرفته » میخواند .

سیسرون در قسمت دیگر از دفاع خود ضمن رد ادعای طرفداران کلودیوس باینکه مجلس سنا تشعیرین داده است که کشته شدن کلودیوس مایه اختلال آسایش کشور است حساسه سرائی نموده و تجلیلی از قرقه نطق و بیان و استدلال خود کرده که شاید در بین تمام حساسه سرائیهای دنیا بی نظیر باشد .

پیه علاوه از آنکه برای رسیدگی با اتهام میلون دادگاه فوق العاده تشکیل داد عده از قضات دادگاه را که با سیسرون سابقه دوستی و آشنائی داشتند تغییر داده و کسی را بریاست دادگاه انتخاب نمود که سابقه اشتغال آن مقام عالی را نداشته است و خود او شخصاً نیز در مواقع تشکیل دادگاه حضور می یافت تا قضات دادرسی را تحت تأثیر قرار دهد .

سیسرون از نظر یک نفر و کبل مدافع وظیفه شناس و متهور و بیباک ناچار بود تمام این اعمال را مورد انتقاد قرار دهد ولی اوضاع متشنج و در هم رم و غوغائی را که طرفداران کلودیوس برپا میکردند و حفظ مصالح میلون که تحت تعقیب قرار گرفته بود به سیسرون اجازه نمیداد که صاف و بی برده حقایق را آشکار کند زیرا در جریان دادرسی جان خود او و میاون موکلش در معرض خطر بود و بعد از ختم دادرسی هم تعیین سرانوش میلون بر مهده قضات دادگاه بود که طبق اراده پیه انتخاب شده بودند و نظریه را در حکم نهائی رعایت میکردند و از طرفی آندادگاه فرمایشی با کیفیت تشکیل آن برای سیسرون خلفاء آور و ناچار بود مجموعه آن اوضاع و احوال را از هر جهت و از هر جهت مورد انتقاد قرار دهد .

قوة خلاقه سیسرون و مهارت او در تجسم افکار و احساسات در این قسمت

از خطابه او معلوم میشود او در عین اینکه عمل پیه را در تغییر قضات تعقیب مینمود و از مشاهده وضع دادگاه سرگردان و ابروان انداخته و تازیانه انتقاد را بی دربی بر شانه های پیه و قضات مینواخت با لطیفترین بیان و عالیترین تعبیر لپیختند احترام آمیز بروی آنها زده و دقیقترین احساسات پیه و قضات دادگاه را بسوی موکل خود جلب مینمود .

قسمتهای مغذی از نطابه که مشر بر مراتب ذکر شده است ذیلا نقل می شود.

«شبهه دیگر که بدخواهان ما القاء میکنند این است که مجلس سنا تشخیص داده است که کشته شدن کلودیوس مایه اختلال آسایش کشور است. اما این دروغ است و در مجلس سنا چندین بار این واقعه مباحثه شد و همه اعضاء با میلیون موافق بودند. و حتی در موقعیکه جمعیت بسیار بود چهار پنج رای بیشتر دیده نشد که مشر را عدم موافقت باشد.

بهترین دلیل این مدعا آن است که سخنان آتش گرفته همواره فریاد میکرد که قدرت سبزون مانع پیشرفت حق است و هر چه او می خواهد سنا را می دهد و حال آنکه من قدرتی ندارم جز اینکه خدمات من بملت شاید در مشورتها اعتباری بسخن من داده و دلسوزی های من نیکان را بمن مهربان ساخته باشد و اگر قدرتی بمن نسبت داده میشود همین است امیدوارم همیشه اینقدرت پشتیبان اختیار و مایه ترس اشراز باشد و اما هیئت کنونی هر چند نیکویم خلاف عدالت است ولیکن میگویم بهکم سنا منقذ نشده است و مجلس سنا از مرگ کلودیوس آن اندازه مناسف و متالم و هراسان نشده بود که با بودن قوانین و دادگاههای عادی که برای رسیدگی مردم کشتی و تعدیات دیگر آماده است طریقه فوق العاده اختیار نماید کلودیوس چون زنده بود و بشنیم آیین وجهی ز نای محسنه مرتکب شده مجلس سنا درباره او حکم خاص نفرمود.

و اگر مدعی غرغراگر گذاشته بود که مجلس سنا باراده خود عمل کند امروز ما پبشگاه هیئت محضرس نمی آمدیم چرا می سنا این بود که واقعه بپدرنک دادگاه عادی ارجاع شود و نیز میگویند بیه چون هیئت فوق العاده برای این امر تشکیل داده است حکم قضیه را معلوم نموده است من میگویم آری بیه تصدیق کرده است که در جازه اینوس قتل واقع شده و کلودیوس کشته شده است اما بیه حکم کرده است که رسیدگی شود اکنون بشنیم چه چیز باید رسیدگی شود.

وقوع واقعه که مسلم بود. مرتکب هم که انرا داشت پس معلوم میشود نظر بیه باین دعه که بپدر داشت مقصر کیست - زیرا اگر او انرا از منسازم تقصیر می پنداشت رسیدگی مورد نپداشت اختیار کیفر دادن با بپشین با او بود و امروز کار به پشکار شده انپآمده پس ببقیده من تصمیم بیه از روی سره نظر بیلون بوده بلکه آنرا دلیل میگیرم بر اینکه شما باید علت قتل را معلوم کنید تا بدانید که قاتل مقصر است یا نیست از این گذشته بیه نیز خود حاضر است و معلوم خواهد کرد که نیش چه بوده است

اما ای دادوران حقیقت این است که حزم و بزرگواری پمپه او را بر آن داشت که اقدامات فوق العاده بکنند بسبب اینکه کلودیوس دشمن او بود و میلیون دوست است و اگر پمپه هم در شادی مردم بر مرث کلودیوس شرکت میکرد بفرض شخصی حمل میشد. و انگهی او سختی کرد با اعتماد اینکه شما داد خواهید نمود و بهمین جهت هیئت حاکمه را از بزرگان و دانشمندان درجه اول تشکیل داد و نباید این سخن را بازر کنید که دوستان مرا از این هیئت خارج نموده است.

چنانی قانید بفرض چنین اندیشه ای بفرمود را نمیدهد. علاوه همینکه مردمان عقیف انتهاب

کرد دست خود را از غرض دانی نسبت به من کوتاه نمود. زیرا کسانیکه بامن مهربانند منحصر نیستند بدوستانیکه با ایشان آمیزشی دارم و ناچار مدد دهند چون يك تن نمی تواند با گروهی فراوان از مردم همنشین باشد. ولیکن میان من و همة نیکان این کشور بواسطه اشتراك مساعی در خیر عامه مناسبانی هست و چون بجه بهترین مردم این شهر را برای داوری برگزیده و این امر را تکلیف شرافتی خود دانسته است البته کسانی که انتخاب نموده همه بن مهربانند.

اما ای دو میتیوس ترا که بالاخصتصاص بر سر این داوری قرار داده مسلم است که نظر بدادگری و انصاف و بیطرفی توداشته و دانسته است که قاض قوم باید بتواند در برابر سبکسری عامه و جسارت فتنه جویان ایستادگی نماید پس دو میتیوس را برگزیده است که میداند اواز آغاز جوانی تا کنون هیچگاه از غوغای عامه باک نداشته و از راه منحرف نشده است اکنون وقت آن است که به اصل مطلب پردازیم.

پس گوئیم چون افراد مرتکب امری است عادی و تصدیقات مجلس سنا در این مورد چنان نبوده است که نسبت بمداخلات بر ناسازگاری داشته باشد و مؤسس این دادگاه هم بآنکه وقوع واقعه را محقق میدانست راه را برای تحقیق و بازرسی باز نموده و داورانی که انتخاب کرده و کسی که بر سر ایشان گماشته در امانت و دوستی مسلم می باشد و یقین است که رسیده گی باید خردمندانه و بیطرفانه بعمل آید :

تکلیفی که باقی میماند این است که مشخص گردد که از میاوان و کلود یوس کدام يك مهاجم و کدام مدافع بوده اند و برای اینکه این مطلب روشن شود نقل واقعه کفایت میکند و بنا بر این خواهش من آنست که بسرگذشتی که حکایت میکنم توجه فرمائید ... :

چون کشته شدن کلود یوس بدست میلون مسلم بود و خود میلون نیز این مطلب را تصدیق داشت و کیل مدافع شجاع و زبر دست رم ناچار بود که در دفاع خود مطالب زیر را در دادگاه باثبات برساند :

۱- کلود یوس مردی شفی و غارتگر و ظالم و واجب القتل بود.

۲- میلون مردی شریف و علائقند بملت رم و در اثر عمل خود خدمت بزرگ بملت رم نمود.

۳- کلود یوس در سر راه بر کاروان میلون تاخته و قصد قتل او را داشت و میلون در مقام دفاع از خود بر آمد و قتل کلود یوس از طرف میلون در اثر دفاع از نفس بوده و از مجازات معاف است.

بند سه ذکر شده اساس دفاع سیرون بود که از نظر طولانی شدن بحث و بیان شدن جزئیات از طرف وکیل مدافع از نقل آن خودداری میشود ولی در قسمت دیگر از دفاع سیرون حد اعلاى قدرت سخنرانی را بخرج داده و عالیترین احساسات بشری را برانگیخته که قسمتهائی از خطابه برای اثبات این دو موضوع عینا نقل میشود :

«ای دادوران گمان نمی کنم کسی این بیانات مرا تنها نتیجه دشمنی من کلود یوس بداند و بگوید از روی خشم و کین از راه عدالت منحرف شده است. راست است که من موجبات بسیار برای عداوت با او داشتم.

اما همه همشربان مانند من او را دشمن میدانستند و عداوت من در ضمن نفرت عمومی

مستهلك بود ، درست توجه بفرمائید سخن از مرگ كلوديوس مبرود :

اینك من بشما میگویم چون فرض محال، محال نیست همه چیز را میتوان در عالم خیال بتصور آورد. فرض کنید برای مبری شدن میلون من توانائی داشتم که كلوديوس را دو باره زنده کنم و چنین می کردم ...

به یینید رنگ همه پرید ، پس کسی که فرض محال زنده شدنش چنین هولناك باشد اگر در واقع زنده میماند چه حال دست می داد ؟ و اگر همین توانائی را برای همین بپه که امروز رئیس ماست و از اولادور ترکی نیست فرض کنیم آیا ممکن بود به چنین کاری اقدام کند و آیا احیای این يك نفس را موجب هلاك نفوس بسیار نمی دانست ؟

پس ای دادوران شما کسی را که راضی نیستید زنده شود چگونه برای مرگ او کیفر قائل میشوید و کسی که قانون را پایمال می کرد چگونه بنام آن قانون برای او کیسه خواهی میکنید ؟ و کسی که این خارا از سر راه شما برداشته و چنین شر بزرگی را از شما گردانیده چگونه او را مجازات میدهید ؟

این عمل مایه شرافت و افتخار او باید باشد چرا باید برای او طلب عفو نمود ؟ راست است که او از جان خود دفاع کرده اما حقوق شما را محفوظ داشته است و از این جهت باید پاداش نیکو به بریند . اما اگر با اینهمه شما عمل او را نپسندید (اگر چه نمیدانم چگونه میتوانید نپسندید) و اگر همشهریانش از چنین کار دلبرانه آزرده باشند باید با کمال مناعت و خونسردی از این مردم ناسپاس دوری بجوید همه در شادی و کامرانی باشند و آنکه مایه این کامرانی شده ناکام بماند .

مأمیدانستیم که در تنازع با خائنان اگر تحصیل شرافت میکنیم خود را هم بخطر میاندازیم و البته ناخطر نباشد شرافت حاصل نمیشود و من خود در دوره ریاستم اگر برای نجات دولت و ملت با آنهمه مخاطرات روبرو میشدم آیا چنان فضیلتی درمی یافتم ؟ نشانه مردانگی همین است که در راه خدمتگذاری بیپن بارشك و حسد ورنج و تمب برابر شوی و جان خود را بر کف دست نهی . اما اگر برخد متنگداز ملت است که از این مشقات بیم نکنند بر ملت نیز هست که خدمات مردمان بزرگ را منظور بدارد و بهر حال اگر نسبت بیابون سیاستگزار باشید او سراقاز خواهد بود و اگر هم نباشید این خوشدلی را دارد که پیش نفس خویش خجل نیست

هر چند این نفرین است که بیپن خود میکنیم و استغفار مطالبیم اما میگویم ای کاش كلوديوس نیمرد و رئیس دادرسی میشد و من این منظره غمناک را نمیدیدم . خداوند چه روح بزرگی باین مرد عطا فرموده ای که میگوید چون كلوديوس کیفری بسزا دید اگر ما پاداش بناسزا به بیپنم باکی نیست .

آیا چنین کسی که خداوند او را برای شرافت این خاك بدنا آورده روا است که دور از این خاك از دنیا برود و جان فدای میهن نکند ؟

بزدگوانی او را همه بیاد داشته باشید و مکتوبید دوران این کشور بخاک برود .

**کسی را که همه شهر ها برای بردن او آغوش می‌گشایند شما
رأی میدهید که از شهر خود رانده شود ؟**

**زهی سعادت مرزی که او را دریابد و بدبخت دیاری که او را
رافد و از دست بدهد و قدر نداند .**

دیگر بس میکنم که نه اشک مجال گفتن میدهد نه میلیون اجازه اشک ریختن .
همینقدر ای دادوران يك چیز از شما در خواست دارم وبس و آن ایست که چون رأی میدهید
تنها بعقیده وانصاف خود مراجعه کنید و بدانید که آن رئیس کل که شما را در این قضیه
پداوری برگزید خواست دست ترین و خردمندترین و استوارترین مردم را برگزیند و
اگر دلیر باشید و بیطرفی نشان دهید و داد کنید از هیچ رو بر شما خرده نخواهد گرفت .
دفاع میسرون با نشان دادن اعجاز درنطق و بیان و قوه استدلال در حالیکه قضات
داه گاه و پینه در بهت و حیرت بودند و مردم شهر رم در سکوت عیق و تفکر در گفته های
سیسرون فرو رفته بودند خانه یافت و قضات دادگاه فوق العاده پس از يك مشاوره طولانی
میلونها را به تنبیه از رم محکوم کردند .



یکی از شاهکارهای سیسرون نطق های آتشینی است که آن خطیب دانشمند بر ضد
آنتوان نموده بود که از لحاظ شهادت برساله های دموستنس در انتقاد از فیلیپ سه (فیلیپک)
معروف است و مجموع این نطق ها در چهارده رساله منتشر گردید .

وقتی سزار در مجلس سنا بقتل رسید و آنتوان زمام رم را در دست گرفت در مقام
قتل و کشتار مخالفین خود بر آمد و در آن سفاکسی و خونریزی تقریبا صد و پنجاه سنا تور و
دو هزار شوالیه بقتل رسیدند . مشهورترین قباایهای این بیرحمی سیسرون است . معروف است
و قفسه قاتلین بسر کردگی (ارنیوس) نام بخانه بیلانیسی سیسرون رسیدند مشارالیه در شرف
عزیزت به بونان بود تا به پروتوس ملحق گردد .
پلسو تشارک مورخ معروف در کتاب زندگانی سزار در کیفیت قتل سیسرون
چنین مینویسد :

((سیسرون که صدای تاخت است را شنید تخت روان خود را متوقف ساخته دست
چپ را بنا بهادت معمول زیر زنج زده بانگناه ثابت در قاتلین نگریست .

**موی ژولیده و غبار آلود و چهره مضطرب و محزونش بتسمی
رقت آور بود که وقتیکه ارنیوس او را میکشت سر بازان جلوی چشم های
خود را گرفتند . خود او سر از تخت روان بیرون کرده تسلیم شمشیر
نمود ارنیوس بامر آنتوان اول سر او را برید بعد دستهایی که فیلیپیک
را نوشته بود قطع کرد »**

سببیت و درندگی آنتوان در ۲۲ سال قبل از میلاد بحیات بزرگترین خطیب دانشمند
و وکیل زبردست خانه دانه و آن مشعل فرزندان را در سن ۶ سالگی برای همیشه خاموش نمود .

سیسرون در دو هزار سال قبل ظاهراً رخت از عالم هستی برپست
ولی شاهکارهای او هنوز در ردیف اولین خطابه‌های دفاعی و مهم‌ترین
انتقادات سیاسی است .

او در اثر حق‌گویی‌ها و دفاع از مظلومین و تقبیح از عملیات زشت سیاستمداران خشن روم
جان خود را فدای مصالح ملت کرد .

او باطنین صدای خود پشت جباران و ستمکاران را بلرزه در می‌آورد
و با صریح قلم خود نغمه‌های خطرناک دیکتاتورها و جنگجویان آن
عصر را خاموش می‌ساخت . تا اینکه دست ستمکار و جنایت‌پیشه‌ای سری
را که دارای آن قوه متفکره عظیم بود از تن جدا کرده و دستی که
خطابه‌های معروف فیلیپیک را نگاشت از بدن قطع نمود . ولی مورد
تردید نیست که حیات پرافتخار و مرگ با شرافت سیسرون باید بهترین
و عالی‌ترین سرهشق رجال سیاسی دنیا و وکلای مدافع قرار گیرد .

مکتب سیسرون عالی‌ترین مکاتب فن نطق و خطابه است . بهر آن
این مکتب باید از حقیقت‌گویی و دفاع از مظلوم نهراسند ولی بقیمت
جان آنها تمام شود .

دکتر محمد شاهکار

قانون استقلال قانون وکلای دادگستری

در تاریخ هفتم اسفندماه ۱۳۳۱ جناب آقای دکتر مصدق لایحه قانونی استقلال قانون
وکلای دادگستری را مشتمل بر ۲۲ ماده بموجب قانون تمدید اختیارات ۳۰ دیماه ۱۳۳۱ تصویب
و در این شماره از نظر خوانندگان میگذرد .

قبل از ورود دبه‌مطلب وظیفه اخلاقی و وجدانی خود میدانم که مراتب سیاست‌گذاری خود
را از این اقدام موثر و مفید بجناب معظم‌له تقدیم و همچنین متنهای سیاست‌گذاری را از جناب آقای
لطیف وزیر معظم دادگستری که در گذراندن قانون مزبور سهم‌بزرگی دارند و با کمال علاقه و
حسن‌نیت موضوع را دنبال میفرمودند بمرض برسانم .